

معرفی منظومه تاریخ سعادت

سید احسن الظفر*

در قرنهای هفدهم، هجدهم و نوزدهم میلادی تاریخ هند علی الخصوص تاریخ استان اوده هر چند خوشایند بوده اما دردناک نیز بوده است. جنگ بکسر در سال ۱۷۶۴ میلادی سرنوشت کشور هند و فرمانروایی آینده‌اش را مشخص کرد. از اینرو بسیاری از مورخان این دوره، در این باب اثری نوشته‌اند؛ مثلاً: تاریخ اوده تألیف نجم الغنی، عمادالسعادت تألیف سید غلام علی نقوی، تاریخ اوده تألیف بابو هت پرشاد اکبرآبادی، تاریخ اوده آصفی تألیف ابوطالب، تاریخ اوده تألیف گرسهای، تاریخ شاهیه نیشابوریه تألیف قاسم علی بن مرزا محمد، فرسخ بخش تألیف منشی فیض بخش کاکوروی و تاریخ انجمن هند تألیف شیخ صدیق احمد و غیره.

تاریخ سعادت، تألیف امام بخش بیدار، نیز جزء همان سلسله آثار تاریخی می‌باشد، با این تفاوت که این تاریخ منظوم به صورت ساقی‌نامه به زبان فارسی سروده شده است. به علاوه، به عنوان یکی از بهترین منابع تاریخی دوره نواب سعادت علی خان

*- استادپار فارسی دانشگاه لکهنو، لکهنو.

(۱۸۱۴-۱۷۹۴ م) و شهر لکهنو آن دوره تلقی می‌شود؛ زیرا نویسنده وقایع را به چشم خود مشاهده کرده است.

معرفی نسخه خطی

این نسخه در کتابخانه عمومی امیرالدوله لکهنو تحت شماره RP۸۵۴/B۳۸/۴۸۳۵۹ قابل شناسایی است. نام نویسنده آن امام بخش متخلص به «بیدار» است. نسخه مزبور کرم خورده و آخر کتاب از بین رفته است. ابعاد آن ۲۲×۱۴ سانتی‌متر است. هر صفحه دارای نه شعر است و تاریخ تألیف، کتابت و نام کاتب در هیچ جا آورده نشده است. روی جلد عنوان کتاب «تاریخ سعادت» نوشته شده است. به علاوه، شش مهر و یک نوشته دیگر هم به شرح ذیل وجود دارد:

تحریر: نمبر ۱۰۳، پنجم ربیع الاول ۱۲۶۲ هجری به جایزه رسید.

اوراق: ۸۲

مهرها:

- ۱- یارب گناه ما به طفیل امام بخش.
 - ۲- خوش است مهر کتابخانه سلیمان جاه به هر کتاب مزین چو نقش بسم الله ۱۲۴۴.
 - ۳- سید عارف حیدری ۱۲۳۲ هجری.
 - ۴- ... چون من مزین بر کتاب خاتم امجد علی در پای رکاب
 - ۵- خاتم واجد علی سلطان عالم بر کتاب ثابت و پرنور بادا تا فروغ آفتاب ۱۲۶۳ هـ.
 - ۶- در تحویل سید حسین ۱۲۳۳ هجری.
- در پایان فهرست روی صفحه پنجم مهر نویسنده «یارب گناه ما به طفیل امام بخش» هم قرار دارد. از این مهرها برمی‌آید که نسخه مزبور به ترتیب در اختیار عارف حیدری و در سال ۱۲۴۴ هجری در کتابخانه سلیمان جاه و آخر در سال ۱۲۶۴ هجری در اختیار امجد علی شاه بوده است.

از مهر نویسنده روشن است که این نسخه در زمان حیات خودش نگارش شده و به دیگری تقدیم شده است. و از غلطهایی که در املا و ناموزونی موجود در اشعار نشان می‌دهند که نویسنده خود آن را کتابت نکرده است بلکه کاتبی آن را انجام داده و فرصتی برای تجدید نظر نیافته است.

این کتاب مشتمل بر پنجاه و دو باب است اما در فهرست تنها پنجاه و یک باب نوشته شده.

باب هشتم «در سبب تألیف این کتاب و بنای قصه‌ها برای جناب نواب سعادت علی خان بهادر» که در فهرست نیامده در صورتی که باب هفتم در فهرست وجود دارد اما در متن کتاب نیست. باب چهل و سوم ظاهراً تمام به نظر می‌رسد. پس از آن بابهای چهل و چهارم، چهل و پنجم، چهل و ششم و چهل و هفتم وجود ندارند. باب چهل و هشتم «به ترتیب دادن مهمانی برای انگلیس» پرداخته و ظاهراً کامل به نظر می‌رسد البته بعضی از اشعار ابتدای آن نیست. باب پنجاهم وجود ندارد. باب پنجاه و یکم احوال نویسنده را بیان می‌کند؛ ولی از آخر ناتمام است. باب پنجاه و دوم که مربوط به خاتمه کتاب است هم وجود ندارد. تعداد اوراق موجود هفتاد و دو است. در صورتی که روی جلد هشتاد و دو نوشته شده است، لذا روشن است که اوراق گم شده مشتمل بر ده اوراق است.

معرفی نویسنده

منشی امام بخش بیدار خلاصه‌ای از احوال خود را در آخر کتاب آورده است. از بیانات وی برمی‌آید که او از اهالی لکهنو بوده و در جاهای مختلف تحت مقامات عالی مرتبه انگلیس به سمت منشی، امین و فوجداری منصوب شده است. نخست در دوره استاندار اوده هستنگ (Husting) تحت مدلتن (Middleton) به نوشتن احوال استان اوده مأمور شده. بعد تحت نظر جانسن (Johnson) همین کار را انجام داد. و همراه او



به کلکته رفته، سه سال آنجا سمت منشی مورس (Moris) را بر عهده داشته است، او سپس بیدار را همراه خود به رنگپور برد، یک سال آنجا ماند، چون آب و هوای آن سامان موافق او نیامد رخصت گرفته به وطن خود لکهنو بازگشت.

در لکهنو دچار بیماری و بیکاری و زندگانی تلخ شد، آنگاه ژنرال کلاؤد مارتین (Claude Martin)، در خانه خود مطابق هوش و استعداد او کاری مناسب به او داد. هفت سال در خدمت او ماند چون مارتین درگذشت وضع اقتصادیش خیلی وخیم شد. مارتین در سال ۱۸۰۰ میلادی درگذشت لذا می‌توان حدس زد که او از سال ۱۷۹۴ تا ۱۸۰۰ میلادی در خدمت مارتین بوده است. پس از درگذشت وی بیدار خانه‌نشین شد. پس از بیکار ماندن برای چند روز همراه با انگلیس به بهرت‌پور رفت و به دربار ویمس راه یافت و به سمت امین منصوب شد. چون راس (Ross) جانشین ویمس شد و شاید بیدار نتوانست با او روابط حسنه داشته باشد لذا به وطن خود برگشت.

پس از سه ماه بیکاری، بیدار به کلکته رفت، آنجا با مردم خوب و بد برخورد کرد. بالآخره وقتی ادوارد ریض (Edward Ridge) به پست دادرس و قاضی منصوب شده به مدناپور رفت امام بخش را همراه خود آنجا برد. او به پست رئیس دادگاه منصوب شد و امام بخش به پست فوجدار. در مدناپور سه سال کارهای دیوانی را طبق قوانین انگلیس انجام داد.

هنگامی که ادوارد ریض به انگلستان بازگشت و دیگری جانشین او شد کارهای امام بخش مورد اطمینان و رضایت او قرار گرفت که به امام بخش را لقب «چهیته» یعنی پسندیده و محبوب داد. امام بخش به وطن خود بازگشت؛ پس از بیکارماندن برای چهار سال دیگر برای گذراندن ایام باقی‌مانده زندگی خود به خدمت نواب سعادت علی خان آمد، می‌گوید:

بجز تو نیامد کسی در نظر که در خدمتش آرم عمری بسر

در دوران خدمتش «تاریخ سعادت» را نوشت و به پیشگاه نواب تقدیم کرد، چنانکه می‌گوید روزی در خواب حضرت علی^(ع) را زیارت کردم، ایشان به طور خصوصی فرمودند که: «آن را به سعادت خان تقدیم کن»:

پس آنکه بفرمود ما را اولی ده این را به نذر سعادت علی
«گلشن سعادت» نام دیگر این کتاب است. چون او به نواب تقدیم کرد، نواب
مزبور او را یکهزار سکه ارزانی داشت و خلعتی اعطا کرد.

موضوع کتاب

موضوع این تاریخ منظوم چنانکه از عنوانش روشن است ارائه کردن شرح تاریخ تخت‌نشینی نواب سعادت علی خان و فعالیت‌های سیاسی و نظامی و آبادانی اوست. ضمناً جنگ شاه عالم پادشاه و شجاع‌الدوله و آصف‌الدوله با انگلیس و صلح ایشان با آخرالذکر را بیان کرده است:

به نظم آورم داستان کهن	کنم یاد نام‌آوران کهن
رقم سازم احوال شاه و وزیر	که در ملک شد با شجاعت امیر
وزیر و شهنشاه عالی گهر	که در پتنه جنگید با زیب و فر
عیان حال آن جنگ بکسر کنم	دگر جنگ چنارگره سرکنم
نمایم دگر بار لشکرکشی	ز قوم فرنگی کنم سرکشی
کنم باز آن جنگ حافظ رقم	بن و بیخ افغان همه سرکنم
کنم نذر پیش سعادت علی	نوشته به خط خفی و جلی
چو آوردم از درج گوهر بدام	به «تاریخ سعادت» نمودم بنام

پس از حمد، مناجات بیان شرح معراج، خلافت حضرت علی^(ع)، دیدن حضرت علی^(ع) در خواب و هدایتش برای نذرکردن این کتاب به سعادت علی، منقبت حضرت علی^(ع) و سبب تألیف، آنچه نویسنده بیان کرده است خلاصه‌اش بقرار زیر است:

شکست شاه عالم و وزیرش شجاع‌الدوله در جنگ با انگلیس در مرشدآباد، جنگ دوم شاه عالم با انگلیس به اشاره قاسم خان و شکست وی در این جنگ، صلح پنهانی پادشاه با انگلیس و عزیمتش به دهلی، تفویض امور اداری کشور به شجاع‌الدوله، شکست انگلیس، سلطه انگلیس بر قلعه چنارگره و پس‌گیری آن توسط قشون نواب، فوج کشی شجاع‌الدوله علیه محمد خان، فتح انگلیس بر قلعه اله‌آباد و کنترل و نفوذشان در آن شهر، دعا کردن شجاع‌الدوله، صلح وی با انگلیس پس از به امضا رسیدن قرارداد صلح مربوط به تقسیم کشور، انتصاب مقام عالی مرتبه انگلیس به پست ریزیدن، ورد شجاع‌الدوله در فیض‌آباد، آبادسازی شهر توسط وی، جنگ شجاع‌الدوله با حافظ رحمت خان به اتفاق انگلیس، پیروزی نواب، کشته‌شدن حافظ رحمت، بازگشت شجاع‌الدوله به فیض‌آباد، و مرض و درگذشت وی، تحت‌نشینی آصف‌الدوله، فوج‌کشی او بر رامپور، کشته‌شدن غلام محمد خان، شکست افغان، مسندنشینی احمد خان، ورود آصف‌الدوله در لکهنو به تزک و احتشام، مرض و وفات وی، فرمانروایی وزیر علی برای چهار ماه، دستگیر شدن وزیر علی به دست انگلیس، تخت‌نشینی سعادت علی خان، توزیع (تقسیم) استان اوده در دو بخش، تحویل بخشی از آن به کمپانی هند شرقی برای پرداخت حقوق دو فوج، اصلاحات اداری و دیوانی سعادت علی خان، تأسیس شهری به نام «سعادت‌آباد» بر لب دریای گومتی که طولش دو فرسنگ و عرضش دو کوس بود، تعمیر بناهای خاص بازار، دلگشا، فرح‌بخش، باره دری و خیابانها، تأسیس رمنه برای بدست‌آوردن نژاد اسپ‌های گوناگون با گذاشتن آنها در آن، ویژگیهای باره دری، تعمیر مسجد نزد گول دروازه، ورود نواب در شهر با پالکی، در خلال راه عطا یکهزار روپیه به سید که از وی درخواست کرده بود، تعیین‌کردن وظیفه‌های ماهیانه برای جمله سادات لکهنو که تعداد آنان در آن هنگام دو هزار دو صد بود، خلال شکاربازی، کشتن شیر در جنگهای نان‌پاره، شکار گورخر و آهو و غیره، عبادت و ریاضت نواب، ترتیب دادن مهمانی برای انگلیس و احوال شاهان گذشته.

سبک تاریخ سعادت

تاریخ سعادت یکی از میراث مکتوب است که به شکل ساقی‌نامه نوشته شده که در پایان هر یکی از داستانها ساقی را مخاطب ساخته و ازو خواستار، می و آرزوی پیروزی در کارهایی که درپیش دارد، شده است:

بیا ساقی آن می که مستی دهد به او ماندگان چیره‌دستی دهد
 به جانم از آن جرعه چند ریز که در جنگ بازی کنم من ستیز
 سبک اشعار عموماً ساده و روان است ولی به علت سهو کاتب در جاهای مختلف غلط‌های املائی زیاد راه یافته است، در بخشهای کرم خورده، یافتن واژه‌ها و ترکیبها کاری بس دشوار است.

رویه‌مرفته استنباط می‌شود که امام بخش گوینده و سخنرانی بوده اما نه خیلی بلندآوازه و مشهور، در بعضی جاها به فردوسی اشاره کرده و می‌گوید:

شنیدم که دهقان دیرینه فن کند تازه افسانه‌های کهن
 ولی درباره خود می‌گوید:

بیان می‌کنم داستان نو به نوبه ز من تازه افسانه نو شنو
 چنین به نظر می‌رسد که در ترسیم مناظر طبیعی و معرکه‌های رزم و محافل بزم، او شاهنامه را در نظر داشته و تلاش کرده است از آن پیروی کند اما چه نسبت خاک را با عالم پاک. حتی گویندگان ایرانی با همه ذوق و قریحه شاعرانه نتوانستند به درجه فردوسی رسند تا چه رسد به این شاعر غیرمعروف. البته در تلاش خود در تقلید از شاهنامه او مثل کسی است که در عطار خانه نشسته باشد اگر مشک بدستش نرسد دست کم بوی خوش آن حتماً به دستش خواهد رسید به چند بیت توجه بنمایید:

پی جشن کرده بنا محفلی می و مل طلب کرد رنگین گلی
 چنان مژده‌ای داد بلبل به باغ که عهد گل آمد به باغ و به راغ
 رخ لاله بشگفت در هر چمن تر و تازه هر سو گل یاسمن

بنفشه همی بود در پیچ و تاب شد از دیده نرگس آثار خواب

*

ز سر ناهمی آمد آواز تیز که خواهد شد در زمان رستخیز
تبیره زنان برزده دست خویش صدای جرس کرده دل را بریش
صف زنده پیلان گروه‌ها گروه بهر دو طرف ایستاده چو کوه
همه توپخانه نهادند پیش همه جنگ‌جویان برانداز خویش
صف لشکر آراست چون شاه هند درافتاد شورش به چین و به سند

*

سعادت علی خان فرخنده خوی بنا کرد شهری لب آبجوی
عجب شهر آباد کرده امیر عمارت درو شد بسی دلپذیر
بنایش چه در ساعتی خوش نهاد مگر نام او سعادت‌آباد داد
ز دروازه نو تا دلگشا مرتب دکانهای بس جانفزا

*

شنیدم که نواب عالی وقار سواری نمودی به عزم شکار
به صحرا همی رفت صید افگنان به پیش آمدش چند آهو دوان

یکی از ویژگی‌های این ساقی‌نامه این است که نامهای انگلیسیان و هندوان را هم در آن گنجانیده است ولو بعضی تفاوتها در تلفظ روی داده است. همچنین تاریخ هر جنگ را هم ذکر کرده است مثلاً درباره تاریخ جنگ بکسر می‌گوید:

ز هجرت بجستیم تاریخ گفت هزار و صد و بود هفتاد و هفت
